



په اروپا کی د میننټه افغانانو د ټولنو فدراسیون
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

هالند، 27 دسمبر 2009

با احیای نفوذ روسها در ارگانهای امنیتی کشور ما مخالفت کنیم!

بمناسبت سیاهروز شش جدی

سی سال قبل از امروز، در حالیکه ناتوانی رژیم خون آشام تره کی-امین در حفظ قدرت دولتی روز تا روز بیشتر وضاحت مییافت، اردوی چهل اتحادشوری سابق در تبتی با هر دو جناح حزب دموکراتیک خلق افغانستان (پرچم و خلق) با استفاده از همکاری همه جانبه رژیم امین و با اتکا به نیروی ذخیره روسها در حزب مزدور یعنی جناح پرچم، در تاریکی شب در میدان های هوایی نظامی افغانستان پیاده شدند. بتاریخ ششم جدی ببرک کارمل، این پیک بیمقدار استعمار، طی پیام ثبت شده از طریق رادیوی ازبکستان، تجاوز نظامی روس را به رفقای پرچمدار خویش تبریک گفت. رفقای فردای امروز با دسته های گل به پیشوا سرپازان تا دندان مسلح روس که چهار راهی های کابل را اشغال کرده بودند، شتافتند و زن و مرد در سرکها به رقص و پایکوبی پرداختند.

استراتژی جدید روسها مستلزم گماشتگان جدید بود. امین نمیتوانست مجری خوبی برای استراتژی جدید باشد زیرا شیوه حکومتداری وی براختناق شدید اتکا داشت، در حالیکه روسها میخواستند در پهلوی سرکوب بیرحمانه قیامهای مسلحانه، با استفاده از شیوه های عوامفریبانه (جبهه پدر وطن، شورای انقلابی وسیع) و تشکیل یک دستگاه عظیم و مدرن استخباراتی (خاد) در بین مردم عادی و صفوف قیام تفرقه ایجاد نماید و از وسعت یافتن قیامهای خودجوش محلی جلوگیری کنند. بهمین جهت نجیب الله و گروه پرچمیهای مورد اعتمادش (غنی، بها، جلال و سایر رفقا) قبل از شش جدی در قلمرو شوروی سابق تعلیمات لازمه ک.ج.ب را برای تاسیس و چرخاندن دستگاه جهانی خاد دیده بودند و همراه با صندوقهای مهمات متجاوزین روس به میدان هوایی بگرام فرستاده شده بودند.

روسها ده سال تمام با استفاده از امکانات و کمکهای کشورهای عضو پیمان وارسا کوه های ما را با فروریختن میلیونها بمب به کوره آتش میدل ساختند، بیش از پنجاه رقریه را تخریب نمودند و افغانستان را به زندان بزرگ برای مردم ما تبدیل ساختند، ولی سر انجام با سر افکنده از طریق پل " دوستی " کشور ما را ترک گفتند و حزب دست نشاندۀ خود را بدست سرنوشت سپردند. این حزب در سازش با تنظیمهای نوکر ISI جنگ داخلی خانمانسوزی را در افغانستان آغاز نمود که تا اکنون ادامه دارد و دشمنان گوناگون افغانستان از فقدان ثبات درین کشور بفرح خویش استفاده میکنند. جنگی که با کودتای ثور تجاوزشش جدی شروع شد، هنوز هم از مردم ما قربانی میگیرد.

اکنون که در آستانه سی سالگی سیاهروزشش جدی قرار داریم آقای راسموسن منشی ناتو که به کمبود نیرو و مشکلات لوژستیک در جنگ افغانستان مواجه است، بدون اعتنا به حساسیت مردم افغانستان در برابر روسها، از ازدولت فدراتیف روسیه که میراثخوار اتحادشوروی سابق است خواسته است تا فعالانه تر در جنگ افغانستان سهیم شده در تعلیم و تجهیز نیروهای امنیتی افغان سهم بگیرند. دیمیتری روگوزین نماینده روسیه در ناتو گفت: "ارسال عسکر به افغانستان در برنامه ما نمیگنجد ولی خواست ناتو مبنی بر تعلیم پیلوتها و نیروی امنیتی افغان و ارسال مهمات، پرزه جات و اسلحه به آن کشور را مورد مطالعه قرار میدهیم. حلقات معین در رهبری اردوی فعلی افغانستان که در رژیم قبلی تحت الحمايه روسها و ائتلاف شمال ریشه دارند، از دیر زمانی آرزومند اینکار اند. سوال که باید درینجا مطرح شود اینست که آیا مردم افغانستان باخاطره بدی که از قوای امنیتی تربیه شده توسط روسها دارند به این موضوع چگونه مینگرند؟ آیا کودتای شوم ثور فاجعه شش جدی که علت العلل تمام مشکلات ماست و کشور ما را به میدان همه جنگها مبدل نمود توسط قوای رزمی تربیه شده توسط روسها صورت نگرفت؟ آیا عاقلانه است که بگذاریم باز هم کشور ما به لقمه آماده شده برای خرسهای قطبی که از دو قرن بدینسو به کشور ما به مثابه معبر مطلوب به بحر هند مینگرد تبدیل گردد؟ آیا بهترین است از روسها خواستار تادیبه غرامت جنگ و نقشه ماینهای که روسها و رژیم دست نشاندۀ شان آنزمان در افغانستان فرش کرده اند شویم؟ آیا منافع ملی ما در همکاری نظامی با کشورهای نظیر ترکیه و هندوستان که هیچگاه اهداف اشغالگران در افغانستان نداشته اند، بهتر تأمین نمیکردد؟

کمیته حقوق بشر فارو